دام فرقه‌های انحرافی در شبکه‌های اجتماعی

معصومه طاهری

این روزها به دلیل فضای باز رسانه‌ای به خصوص گستردگی و تنوع شبکه‌های اجتماعی، شاهد ظهور و بروز فعالیت فرقه‌ها و جریان‌های انحرافی هستیم که از این بستر ایجاد شده برای معرفی و تبلیغ خود بیش از پیش بهره می‌برند. آنها یا به صورت نفوذی در گروه‌های اجتماعی حاضر می‌شوند و به اشاعه مطالب خود می‌پردازند یا گروه‌هایی در قالب مطالب دینی و معنوی تشکیل می‌دهند و به نشر جعلیات مشغول می‌شوند. برای نمونه بهائیان با راه‌اندازی سایت‌های فارسی به ظاهر شخصی وغیرتشکیلاتی و با اسامی گمراه‌کننده، در شبکه اینترنت حضوری فعال دارند؛ به خصوص با حضور در تالارهای گفت‌وگو و وبلاگ‌های فارسی‌زبان با اسامی ناشناخته با ایجاد شبهه یا ترویج مطالب غلط، سعی در به انحراف کشاندن ذهن کاربران کم‌اطلاع یا بی‌اطلاع را دارند.

در این راستا باید ابتدا به سواد رسانه‌ای کاربران توجه داشت چراکه سیل همگانی شدن استفاده از رایانه و گرایش زیاد به استفاده از اینترنت باعث حریص شدن سردمداران فرقه‌های ضاله و عرفان‌های دروغین شده تا در فضای مجازی حضوری پررنگ‌تر داشته باشند. این مسئله زنگ خطری است که جامعه‌شناسان و کارشناسان دینی به خصوص مسئولان فرهنگی و حوزوی نباید از آن غافل شوند و حرکات خزنده دشمن را در قالب معنویت و عرفان نادیده بگیرند.

به همین خاطر لزوم برنامه‌هایی آموزشی و آگاه‌سازی در مدارس و دانشگاه‌ها بیش از پیش احساس می‌شود تا به معرفی فرقه‌ها و شیوه‌های تبلیغاتی که دارند بپردازند. به خصوص اینکه بیشتر این جریان‌های انحرافی تحت عنوان مهدویت فعالیت دارند یعنی دست روی اعتقادات گذاشته‌اند پس باید حوزه‌های علمیه آستین همت خود را بالا بکشند و در این عرصه به غیر از کلاس‌های آموزشی به منظور آگاه‌سازی، در فضای مجازی نیز فعالیت داشته باشند تا به شبهات و مطالب کذبی که منتشر می‌شود پاسخ‌های عالمانه و درخور بدهند. آنچه مسلم است در بحث فرقه‌گرایی در فضای مجازی با چند طیف مواجه هستیم؛ یک طیف از فرقه‌گرایان اینترنت، طیف سنتی هستند که تصوف مهم‌ترین گروه را به خودش اختصاص می‌دهد، بحث دیگر فرقه‌های امریکایی، چینی، هندی، ژاپنی و نظایر اینها هستند که عملاً از تمام فرقه‌ها در سطح دنیا پشتیبانی می‌کنند، در این فضا فرقه‌ها با رنگ و لعاب‌های مختلف و حتی شبه دینی سعی می‌کنند تا کاربران اینترنتی را به سمتی که بخواهند بکشانند بنابراین با فرهنگ‌سازی و حرکت‌های اقناعی می‌توان کاربران موضوعات دینی و اعتقادی را واکسینه کرد.

یکی از مواردی که در فضای مجازی می‌توان از آن بهره برد مربوط به مدیران گروه‌های اجتماعی است تا از طریق ایجاد سیستم پاداش و تنبیه به کنترل و حذف مطالب درست یا شبهه‌انگیز بپردازند. مثلاً وقتی در یکی از شبکه‌های اجتماعی اعم از لاین، تلگرام، اینستاگرام و... افرادی به نشر موضوعات انحرافی می‌پردازند مدیر می‌تواند از تکنیک شرطی‌سازی (پاداش و تنبیه مداوم) بهره ببرد. در مقابل پیام‌های مثبت، واکنش نشان بدهد مثل تشکر یا تأیید؛ از طرف دیگر در برابر پیام‌های منفی نیز واکنش داشته باشد. ابتدا خصوصی به ایشان توضیح بدهد که اگر از سر جهل و بی‌اطلاعی بوده و متوجه اشتباه خود بشوند و اگر عامدانه بوده! به صورت جدی تذکر دهد. پس از مدتی تداوم این روند، افراد صادرکننده پیام‌های منفی، یا به سمت پیام‌های مثبت ترغیب می‌شوند یا سکوت می‌کنند. از طرف دیگر، با تشویق مدیر مجازی، حجم پیام‌های مثبت و همسو به شکل قابل توجهی افزایش پیدا می‌کند. این شکل بسیار ساده‌ای از تکنیک شرطی‌سازی در عملیات روانی است که می‌تواند در محیط‌های اجتماعی و فضای مجازی مؤثر باشد به خصوص هنگامی که افرادی از سرنادانی مروج مطالب کذب دینی هستند، زیرا خیلی‌ها که نمی‌دانند گرفتار تله‌های نامرئی جریان‌های انحرافی شده‌اند با یک مدیریت درست در فضای مجازی می‌توان آنها را هدایت کرد؛ البته باز هم لازم است تا کارشناسان و مختصصان امور دینی در فضای حقیقی و مجازی حضور مؤثرتری داشته باشند و به آگاه‌سازی و روشنگری بیشتر بپردازند چراکه در هر حال فضای بدون در و دیوار مجازی فرصت مناسبی برای سود جویان و عوامل انحرافی هستند تا ذهن کاربران را شست‌وشوی مغزی بدهند. به یاد داشته باشیم شرایط موجود، بهره‌برداری حداقلی از ظرفیت‌های موجود رسانه‌ای برای نشر مفاهیم دینی و ملی است. در نتیجه باید نرخ شتاب تولید محتوایمان را هماهنگ با شتاب تکنولوژی تنظیم کنیم و خوراک سالم معنوی را در اختیار کاربران قرار بدهیم تا به هر چیزی تحت عنوان معنویت روی نیاورند و این میسر نیست مگر با اهتمام همه‌جانبه و تلاش شبانه‌روزی توأمان با شناسایی فرصت‌های جدید.

یک میلیارد هزینه برای بازسازی ملک استیجاری؟!

خانه سینما به‌جای بهبود وضعیت رفاهی و صنفی سینماگران خانه استیجاری خود را بازسازی می‌کند

حامد مظفری

خانه سینما در ماه‌های اخیر کم با انتقاد مواجه نبوده است؛ انتقاداتی که بخش عمده آن درباره عدم توجه حلقه بالادستی این نهاد به اصلی‌ترین هدف راه‌اندازی خانه سینما بوده است.

خانه سینما در میانه دهه ۶۰ و با هدف «بهبود وضعیت رفاهی و صنفی شاغلان سینما» تأسیس شد اما در ماه‌های اخیر بیش از بهبود وضعیت رفاهی همچنان تلاش برای برگزاری جشن‌های مختلف بوده که در کانون توجه قرار گرفته است! جالب و البته دردناک است بدنه صنفی که نهایتاً بیشتر از ۶ هزار نفر عضو ندارد هنوز که هنوز است از داشتن یک بیمه درمانی جامع رنج می‌برد و در کل ایران یک مرکز درمانی وجود ندارد که اعضای این صنف بتوانند با استفاده از کارت عضویت در خانه سینما، نه به صورت رایگان بلکه با تخصیص تخفیف از خدمات آن استفاده کنند. تعداد اعضای صنف خانه سینما زیاد نیست اما در همه این ماه‌ها نشده مانند تمامی صنوف دیگر در برهه‌های زمانی مختلف، مقادیری اقلام رفاهی مانند بن‌های خرید کالا یا سبدهای کالا به اعضای صنف عرضه شود. از همه ابزوردتر آن که نام این صنف خانه سینماست اما با کارت عضویت در آن حتی امکان تماشای فیلم با درصدی تخفیف در یک سینمای خاص هم برای اعضا وجود ندارد.

یک میلیارد هزینه بازسازی یک ساختمان استیجاری؟

این شرایط که البته با انتقادات رسانه‌ها مواجه شده موجب گشته در هفته‌های اخیر مدیران خانه سینما سعی زیادی کنند برای رهایی از پاسخگویی در چرایی عدم حل مشکلات رفاهی، درباره فعالیت‌های عمرانی که در خانه سینما انجام شده صحبت کنند و حتی رضا میرکریمی مدیرعامل این نهاد هم از صرف هزینه یک میلیاردی عمرانی برای بازسازی خانه سینما سخن گفته است!

این مدیرعامل در گفت‌وگوی تازه‌اش هم باز بر این صرف یک میلیارد بودجه برای بازسازی عمرانی ساختمان خانه سینما به عنوان یک دستاورد تأکید کرده و آن را در شمول فعالیت‌های مفید خویش برشمرده است اما به این سؤال پاسخ نداده است که وقتی خانه سینما هنوز که هنوز است ساختمانی مختص و تحت مالکیت خود ندارد چه نیازی دارد به صرف یک میلیارد بودجه برای بازسازی؟

واقعیت این است که گذشته از ساختمان خانه سینمای ۲ که مالکیت آن برای شهرداری است خانه سینمای یک هم یک ساختمان استیجاری است که مالکیت آن در اختیار خانه سینما نیست و البته بابت آن اجاره هم پرداخت می‌شود!

در این شرایط اینکه یک میلیارد بودجه عمرانی صرف بازسازی ساختمانی استیجاری شود چه معنایی دارد؟

آیا صرف اینکه می‌توانیم از ارگانی مانند شهرداری حمایت یک میلیاردی عمرانی به نام سینما بگیریم این توجیه را ایجاد می‌کند که این یک میلیارد را تمام و کمال خرج بنایی کنیم که مالکیتش از شخص دیگری است؟

تناقض سازمان سینمایی در اعطای پروانه ساخت و نمایش

محمدرضا باقری

فیلم قصه‌ها که اکران شد و اعتراض‌ها که بالا گرفت، وزیر ارشاد مدعی شد اما اصلاً سؤال ما این است که این فیلم چطور مجوز ساخت گرفته است؟

همین چند وقت پیش بود که فیلم ۵۰ کیلو آلبالو که دو بار مجوز ساخت و یک بار پروانه مجوز از وزارت ارشاد گرفته است، و یک بار ۱۷ اصلاحیه و بار دیگر ۱۵ بار اصلاحیه خورده بوده، به دستور وزیر ارشاد به خاطر مضمون بد آن از سینماهای کشور جمع‌آوری شد. فیلم بارکد هم که ابتدا فقط صدای خواننده زیرزمینی از آن حذف شده بود، بعد از دو هفته اکران، روی پرده اصلاحات جدی خورد و مجوز نمایشش به نوعی ترمیم شد. چند روز است دوباره بحث فیلم عبدالرضا کاهانی، «ارادتمند...» مطرح است که این فیلم چطور پروانه ساخت گرفته است، که حالا همه اعضای شورای پروانه نمایش می‌گویند فیلم نه اصلاح‌پذیر است و نه قابل اکران! حالا سریال جدیدی هم به بازار نمایش خانگی آمده که از شورای پروانه نمایش مجوز دارد و در آن بسیاری از کلمات رکیک استفاده شده که خود اعضای شورا گفته‌اند که بله! ما اینها را حذف کردیم، ولی نمی‌دانیم چرا هنوز در فیلم وجود دارند؟

حالا سؤال اصلی این است که در وزارت ارشاد چه خبر است؟ شورای پروانه ساخت و شورای پروانه نمایش چه کار می‌کنند؟ رئیس سازمان سینمایی چه می‌کند؟ وزیر چه کار می‌کند؟ چرا اینقدر اینها با هم هماهنگند. خدا وکیلی اگر این وضعیت اسمش ولنگاری فرهنگی نیست، پس چیست؟

پایان فیلمساز خلاق سینمای ایران

کیایی به عقب پرتاب شده است

حامد یامین‌پور

دل بریدن از مصطفی کیایی فیلمسازی که چند سال پیش ما را به ظهور فیلمسازی مستعد و قصه‌گو در سینمای ایران امیدوار کرد کار چندان ساده‌ای نیست. کیایی اما با آخرین فیلم خودش -بارکد- شاید ناخواسته ما را به این نتیجه سخت رساند.

مصطفی کیایی مسیر دشوار تبدیل شدن به فیلمسازی قابل اعتنا را به سرعت طی کرد چراکه او بر خلاف جوان‌های هم‌صنفش سینما را به گونه دیگری می‌دید و فیلم‌هایش را در مواجهه با مردم معنا می‌کرد. همین امر و استقبال چندباره مردم در جشنواره فجر و اکران عمومی فیلمش باعث شد که نام کیایی سر زبان‌ها بیفتد. انتظار بالا از این فیلمساز باعث شد که دیگر نتوان هر تصویر متحرکی که توسط او ساخته شده را فیلم دانست و مورد ستایش قرار داد. او در مخاطبش این انتظار را به وجود آورده که در هر فیلمش یک شگفتی رو کند و ما را با قصه‌ای نو و روایتی متفاوت همراه سازد. «بارکد» برای کیایی یک عقبگرد محسوب می‌شود؛ پرتاب شدن به نخستین فیلمش «بعد از ظهر سگی». فیلمی با شوخی‌های مکرر جنسی که می‌کوشید با کنار هم گذاشتن کلیشه‌های کمدی مخاطب را بخنداند. اتفاقی که به دلیل حضور جمعی از کمدین‌های چهره آن سال‌ها تا حدی ممکن شد. با این حال آن فیلم آن قدر اثر غیر قابل اعتنایی بود که شاید این روزها کسی آن را به خاطر نیاورد. حتی ممکن است طرفداران کیایی ترجیح دهند که «ضدگلوله» را نخستین فیلم وی بدانند. همچون نخستین فیلم او در فیلم آخر کیایی باز هم این دیالوگ‌ها و موقعیت‌های جنسی است که بار کمدی را به دوش می‌کشد. فیلمساز تمام خلاقیتش را به کار گرفته تا رکورد دیالوگ‌های دو پهلو را در فیلمش بشکند. نام آوردن از یک هنرپیشه زن خارجی و مقایسه آن با بازیگر زن فیلم تنها یک نمونه از هنرمندی‌های کیایی در «بارکد» به حساب می‌آید. آش این فیلم اما زمانی شور می‌شود که در یکی از سکانس‌های فیلم به صراحت به همجنس‌باز بودن یکی از کاراکترها اشاره می‌شود و فیلمساز می‌کوشد تا با اشاره چند باره به این مسئله از مخاطب خنده بگیرد و به زور فیلم کمدی تحویل دهد. وقتی به خاطر می‌آوریم که کیایی پس از دو فیلم خوب «ضدگلوله» و «خط ویژه» و فیلم متوسط «عصر یخبندان» به سراغ این اثر ضعیف و لاغر به لحاظ فیلمنامه و با این جنس از کمدی رفته است می‌توانیم به این نتیجه برسیم که او اگرچه کارگردانی قابل قبول و موفقی در آثارش دارد اما در فیلمنامه حرف مهم دیگری ندارد و توانش تمام شده است؛ هنری که البته او به واسطه آن به شهرت رسید، زمانی که سیمرغ بهترین فیلمنامه را از جشنواره فجر گرفت. کیایی برای همچنان ماندن در سینما باید تصمیمات مهمی بگیرد. یا فیلمنامه‌اش را کس دیگری برای او بنویسد یا اینکه از تند تند فیلم ساختن دست بکشد و چند سالی روی یک فیلمنامه استخوان‌دار متمرکز شود. این گونه شاید بتوان در سال‌های آینده با یک فیلمنامه قوی و قابل اعتنا بار دیگر به موفقیت فیلم‌های قبلی‌اش دست پیدا کند.

بازگشت سریال «پادری» پس از شب‌های قدر

پس از پایان شب‌های قدر، سریال «پادری» مجدداً به آنتن شبکه یک سیما بازمی‌گردد.

پخش سریال «پادری» که به مناسبت فرا رسیدن شب‌های قدر متوقف شده بود، از ۱۰ تیر ماه، همزمان با به پایان رسیدن مجموعه تلویزیونی «کشیک قلب»، بار دیگر به آنتن بازمی‌گردد. در سریال «پادری» به کارگردانی محمدحسین لطیفی، بازیگرانی چون هومن برق‌نورد، بهنام تشکر، سیما تیرانداز، امیرحسین رستمی، نگار عابدی و مجید یاسر به ایفای نقش می‌پردازند.

شرکت فارسی‌زبانان خارج کشور در جشنواره رضوی

مدیر کل فرهنگی نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور از فراهم شدن امکان شرکت فارسی‌زبانان خارج در جشنواره کتابخوانی رضوی خبر داد.

اسماعیل جانعلی‌پور مدیر کل فرهنگی نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور گفت: بر اساس مصوبه دومین جلسه اتاق فکر جشنواره کتابخوانی رضوی که با حضور علیرضا مختارپور، دبیر کل نهاد و جمعی از مدیران و صاحب‌نظران حوزه کتاب و کتابخوانی برگزار شد بر استفاده از ظرفیت‌های سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی در این حوزه تأکید شد. وی اضافه کرد: به همین منظور پس از انجام مکاتبات و رایزنی در این خصوص، امکان شرکت فارسی‌زبانان کشورهای افغانستان، تاجیکستان، پاکستان و همچنین ایرانیان مقیم سایر کشورهای جهان در جشنواره کتابخوانی رضوی نیز فراهم شده است.

جانعلی‌پور در ادامه با یادآوری ارادت ایرانیان مقیم خارج از کشور به حضرت ثامن‌الحجج علی بن موسی الرضا(ع) خاطرنشان کرد: منابع مسابقه به همراه آدرس پایگاه اطلاع‌رسانی نهاد و فایل پوستر و تیزر جشنواره را نیز برای سازمان فرهنگ و ارتباطات ارسال کرده‌ایم. مدیر کل فرهنگی نهاد با اشاره به استقبال از پیشنهاد نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور مبنی بر ایجاد امکان شرکت فارسی‌زبانان سراسر جهان در جشنواره کتابخوانی رضوی، چاپ فراخوان و پوستر ششمین جشنواره کتابخوانی رضوی در روزنامه ایران چاپ استرالیا- سیدنی که به همت رایزن فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در استرالیا انجام شده است را یکی از این استقبال‌ها عنوان کرد. ششمین جشنواره کتابخوانی رضوی (از سری برنامه‌های چهاردهمین جشنواره بین‌المللی امام رضا(ع))، به مناسبت سالروز میلاد حضرت علی بن موسی‌الرضا(ع) و حضرت فاطمه معصومه(ع) و همزمان با دهه کرامت با هدف اشاعه و ترویج فرهنگ رضوی، گسترش فعالیت‌های فرهنگی مرتبط با حضرت امام رضا(ع) و شناسایی، معرفی و گرامیداشت تولیدکنندگان و پدیدآورندگان آثار برتر فرهنگی مرتبط با فرهنگ رضوی توسط نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور و با همکاری بنیاد بین‌المللی فرهنگی هنری امام رضا(ع) و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برگزار می‌شود.

وقتی تابلوهای نقاشی، جای طلا را برای بانک‌ها می‌گیرند

کیوان امجدیان

چند وقت قبل پنجمین دوره حراج هنر تهران هم به کار خود پایان داد. اتفاقی که بی‌شک می‌تواند به اقتصاد هنر کمک بسزایی کند. اصلاً اگر پیش‌فرض این باشد، یعنی یک اتفاق بسیار خوب در هنر ما افتاده است؛ این پیش‌فرض که حراجی در تهران راه افتاده است که در آن، هنرمندان آثارشان را به بالاترین قیمت‌های پیشنهادشده می‌فروشند. با این پیش‌فرض می‌شود گفت هنر ایران و به ویژه هنرهای تجسمی به سرعت می‌تواند به بالاترین جایگاه دست یابد و اعتباری را که شایسته آن است کسب کند و همه هم باید به کمک حراج تهران آیند. اما پیش از همه چیز شاید بد نباشد چند نکته را مرور کنیم و بعد به صدور حکم درباره هنرهای تجسمی امروز ایران بنشینیم.

یک: چند سال پیش دبیر گروه فرهنگ و هنر یکی از روزنامه‌های معتبر بودم. همان سال‌ها بود که بحث اقتصاد هنر شکل گرفت. یکباره از سوی دوستی این پیشنهاد مطرح شد که سه نفر از مدیران دولتی صاحب نفوذ می‌خواهند درباره این موضوع به دفتر روزنامه بیایند و مناظره کنند. دوستان رسانه‌ای می‌دانند که با وجود بی‌انگیزگی که در بسیاری هنرمندان وجود دارد، معمولاً برگزار کردن یک میزگرد به این سادگی‌ها نیست. نه اینکه ناممکن باشد، فقط سخت است. خیلی سخت. معمولاً چون چیزی (مادی یا معنوی) عایدشان نمی‌شود حاضر نیستند زحمت آمدن تا روزنامه را به خودشان بدهند و خود را به میزگردی بسپارند که ممکن است در پایان آن نه تنها هیچ ارزش افزوده‌ای برایشان به ارمغان نیاورد بلکه حتی موقعیتشان هم متزلزل شود و شاید هم از دست برود. با این احوال میزگرد انجام شد و به فاصله یکی دو ماه بعد، آن سه نفر اطراف دم و دستگاه و مرکزی گرد آمدند و عواملشان هم همان مسیری را رفتند که حالا بعضاً به حراج‌ها و بینال‌ها و... رسیده است. وضع اقتصادی عمده‌شان هم از این رو به آن رو شده است. ثروتی قابل توجه و تأمل که البته از طریق هنر کمی عجیب به نظر می‌رسد.

دو: مرد همه‌کاره حراج تهران علیرضا سمیع آذر است. مردی که چند سال پیش از اولین شوالیه‌های ایرانی لشکر فرهنگی فرانسه شد. طبعاً حالا او باید هم به هنر فرانسه وفادار باشد و هم فرانسه به او. هستند بسیاری از کشورها که دوست دارند نبض هنر ایران را به دست گیرند. در این میان بعضی‌ها سرمایه‌گذاری‌شان بیش از بقیه است. فرانسه از همین‌هاست. برگزاری جلسات در سفارتخانه‌ها و بینال‌ها و شناختن هنرمندان جوان کشور و ایده دادن به آنها ظاهراً نوعی کمک به هنر ایران است اما شاید معنایش این هم باشد که فرانسه لشکری از جوانان مستعد و توانای هنر ایران را جمع کرده است و هم به آنها می‌رسد و هم می‌تواند مدیریتشان کند. از سوی دیگر مفاهیم و معانی مورد نظر فرانسه می‌تواند به سرعت در هنر ایران جاری شود.

سه: این روزها بعضی از بنگاه‌های اقتصادی و حتی بانک‌ها دارند پشتوانه‌شان را از طلا به آثار هنری تغییر می‌دهند. برای مثال همین حالا یکی از همین بانک‌های خصوصی در کشور به این سمت و سو آمده است. همین حالا در گنجینه این بانک مجموعه‌ای از تابلوها وجود دارد که چند سال پیش مثلاً به قیمت ۱۰۰ میلیون تومان خریداری شده‌اند و حالا بعد از کمتر از ۱۰ سال به واسطه بینال‌ها و حراج‌ها که از قضا همان بانک هم نقش مهمی در آنها داشته است، ارزششان به چندین میلیارد رسیده است. اتفاقی که با پشتوانه طلا هیچوقت امکان اجرایی شدنش نبود. این اتفاق اگرچه محاسن زیادی دارد اما باعث می‌شود آن بانک همیشه روی دیوار باریکی راه برود. دیواری که یک سوی آن فساد است و سوی دیگرش ارتقای هنر و سلامت بانک.

چهار: چند سالی است در حراج تهران انتخاب آثار و خرید آنها از هنرمندان محل اعتراض بوده است. می‌گفتند گروهی از کارشناسان از سوی متنفذین حراج به هنرمندان یا بعضی گالری‌ها مراجعه می‌کنند و در صورت انتخاب اثر، آنها را به واسطه اهرم‌های فشاری که در اختیار داشتند مجبور می‌کردند به قیمت‌های موردنظر خود بفروشند. بعد همه آنها در حراج تهران صاحبانی صوری پیدا می‌کنند که در حراج حاضر می‌شوند تا قیمت آثار را هر قدر که می‌توانند بالا ببرند و در نهایت این سود نه به هنر کشور که به چند نفر خاص برسد. چند نفری که از قضا حالا بیش از همیشه به مدیریت هنری کشور نزدیک شده‌اند.

معصومی: سینما از نداشتن مدیران کاربلد رنج می‌برد

پروانه معصومی، بازیگر پیشکسوت سینما و تلویزیون همزمان با آغاز آخرین سال حیات دولت تدبیر و امید گفت: همیشه هر مشکلی در هر زمینه‌ای از سوی مدیران و بالادستی‌ها شروع می‌شود و معتقدم که مشکلات عدیده امروز سینمای کشور هم به دلیل عملکرد غلط مدیران است و در کل می‌توان این نکته را عنوان کرد که سینما از نداشتن مدیران کاربلد رنج می‌برد.

برنده دو سیمرغ بلورین بهترین بازیگر نقش اول زن از جشنواره فیلم فجر در گفت‌وگو با خبرنگار سینماپرس افزود: متأسفانه ما نه‌تنها در میان اهالی و دست‌اندرکاران سینما بلکه در بخش‌های مدیریتی سینما نیز شاهد ورود و حضور افرادی هستیم که کمترین شناخت و آگاهی نسبت به سینما ندارند و مسئولیت اداره و مدیریت پست‌های مهم و حساس به آنها واگذار شده است.

وی ادامه داد: کسی که در سینما می‌خواهد پست و سمتی داشته باشد باید از دل همین سینما بیرون آمده و دغدغه رشد و ارتقای سینمای کشور و تأمین زندگی و معیشت و کار هنرمندان و تولید آثار ارزشمند ملی را داشته باشد تا از این طریق بتوانیم مشکلات موجود در سینمای کشور را حل کنیم.

معصومی سپس با بیان اینکه این روزها سینمای کشور به دلیل فقدان مدیریت آگاه، سرشار از فیلم‌های نازل و سطح پایین شده است، اظهار داشت: سؤالی که من از مدیران سینمای کشور دارم این است که جایگاه تولید آثار ارزشی در سینمای امروز ایران کجاست؟ چرا فیلم‌های ارزشی در سینمای ملی ما تولید نمی‌شود و مرتباً بهانه واهی کمبود بودجه برای تولید این آثار مطرح می‌شود؟ مگر فیلم‌های سخیف و نازلی که در سینما شاهد تولید آنها هستیم، از بودجه همین سینما تولید نشده‌اند؟

بازیگر فیلم سینمایی «ناخدا خورشید» خاطرنشان کرد: ما در سینمای کشورمان نیاز به حضور مدیری داریم که دغدغه‌اش تولید فیلم‌های شاخص و ناب با استانداردهای روز سینمای جهان در رابطه با هشت سال دفاع مقدس، شهدای غواص، شهدای مدافع حرم و امثال آنها باشد؛ نیاز امروز کشور ما تولید این گونه آثار سینمایی است و ما با این نوع فیلم‌ها است که می‌توانیم حقانیت و مظلومیت خود را به تمامی مردم جهان نشان دهیم و دست تروریست‌ها و دشمنان مردم را برای همگان رو کنیم.